

یک بام و دو هوا

"ناقضان خیرخواه حقوق بشر"

سرکوپه مان در زمان " طاغوت " مش غضنفر قصابی بود که در شرارت و لات منشی کم نظیر بود، ما اهالی محل، او را شیطان مینامیدیم. مش غضنفر خود تعریف میکرد ، وقتی برای مراسم حج به مکه رفته بود و بعد از طواف کعبه ، در مراسم سنگ زنی به شیطان در حجرالاسود، نوبت به او که رسید تا سنگش را پرتاب کند، بناگاه حجرالاسود (نماد شیطان)، در سکوتی که همه جارا فرا گرفته بود، رو باو کرد وگفت : مش غضنفر، تو دیگه چرا سنگ میپرائی، تو که از خودمانی!!!

غضنفر در بازگشتش از ملاقات با شیطان، قدری از شیظنتش ، کاسته شد.

در روزهای اخیر، اظهارنظر وزیرکشور اطریش آقای کیکل، در رابطه با موازین حقوق بشر و سیاست ، و تقدم سیاست جاری دولت (بخوانیم ایدیولوژیکی) بر تعهدات حقوق بشری، جنجال آفرین شد. اعتراضات به این افاضه وزیر، محدود به اپوزیسیون اطریشی نگشته، بل دامنه وسیعتری یافت و حتی اپوزیسیون ایرانی را نیز در بر گرفت، که با فرستادن پیام و پیامک، خواهان استعفای کیکل از پست وزارت کشور اطریش گردیدند.

کیکل ایدیولوگ راست افراطی، معتقد است ، که برای دفاع یا حفظ امنیت ملی(داخلی)، میبایست از پرنسپ های حقوق بشری منعقد در چهارچوب اتحادیه اروپا عدول ، واز آن گذر کرد، تا بتوان با دستی باز و فراغی آسوده، متقاضیان پناهندگی را از کشور بیرون انداخت.

در میان معترضان ایرانی ، هستند کسانی که خود در تفکر سیاسی شان، آلوده همان سیاست و روشی میباشند که کیکل، نمایندگی اش را یدک میکشد. بدان معنی که حقوق بشر تا آنجایی محترم است که در تقابل با رفتار سیاسی و ایدیولوژیکی شان قرار نگیرد، آنجاییکه حقوق فردی انسانها، آزادی بیان، قلم ، سندیکاها، تجمعات، رسانه آزاد، احزاب سیاسی و..... مانعی برای تحقق دُکم های ایدیولوژیکیشان میشود، باید به بدترین، خشن ترین و شدید ترین وجهی سرکوب گردند.

هستند کسانی که "خیرخواهانه!!" خواهان نقض سیستماتیک حقوق بشر، برای استقرار " نظامی مردمی و عدالت اجتماعی" میباشند.

حال به شواهدی دالّ بر این " سرکوب خیرخواهانه" بنگریم:

- دفاع از نقض حقوق فردی و اجتماعی، در تمام ابعادش ، به بهانه ساخت ایرانی نوین از جانب رضا شاه

- ادامه همین روال در زمان پهلوی دوم ، به بهانه توسعه و پیشرفت و دفع خطر کمونیسم

- صدور مجوز سرکوب نماد های مدنی و حقوق بشری در کوبا ، زیر لوای مباره با تحریم امریکا

- محدودیت هرنوع آزادیهای فردی و اجتماعی و اردوگاههای کار اجباری در کره شمالی، با هوا کردن لولوی خطر کره جنوبی

- هورا کشانِ نقضِ " حقوق بشر آمریکایی" در اتحاد جماهیر شوروی ، به بهانه مبارزه با امپریالیسم جهانی

- گل گیری درب حقوق بشر در چین کمونیستی ، به بهانه رشد اقتصادی

- دفاع از سیستم حکومتی اتوکرات فاسد پوتین ، بدلیل ارزیابی مثبت از دو قطبی بودن جهان!

و...و...و...و

شما خود در مقام مقایسه بر آیید. آیا تشابه آشکار و فاحشی در جان کلام کیکل ، و آنچه که او در آرزویش است ، و آنچه که اپوزیسیون " خیرخواه ایرانی " ، در گذشته و حال ، زیر علمش سینه میزند، وجود ندارد؟

حفاظت از " امنیت ملی " مورد ادعای کیکل، و سلاخی حقوق بشر ، تداعی همان بهانه های مورد قبول و مقبول اپوزیسیون ایران : مبارزه با امپریالیسم جهانی - ایرانی نوین - تحریم امریکا - رشد اقتصادی - فرهنگ منحط غربی و...، که در مجلس تدفین حقوق بشر، مرثیه اش را میخوانند، نیست ؟

روی سخنم با " رهبران ژن برتری " که صدارت را در خاندانشان موروثی کردند و ریاست را از برادر به برادر ، و از پدر به فرزند و نوه هایشان به ارث گذاشتند ، نیست. روی سخنم با شیفته گان این ژن های خوب و آن نوشدارونیست که آنرا به خود نمی پسندند و " فقط" تجویزش را به دیگران پسندند ، و خود در ساحل امنی لنگر انداخته و زیر چتر گسترده حقوق بشر غربی، لم داده و به تأیید نقض حقوق بشر، در آنطرف آب ها ، برای ساخت جامعه ای آباد و آزاد مشغولند.

آیا یکبار و فقط یکبار ، از خود پرسیدیم که کدام بخش وموردی در اعلامیه جهانی حقوق بشر سراغ داریم که در تناقض با پیشرفت، اعتلای بشر، حرمت و کرامت انسانی ، رفاه عمومی، حق حیات شرافتمندانه، عدالت اجتماعی و... قرار گرفته باشد؟ قوانین اساسی کلیه کشورهای پیشرفته و مترقی جهان ، حتما و لزماً در انطباق با منشور جهانی حقوق بشر ، نوشته شده است.

نمیتوان هم خر را داشت و هم خرما را. نشستن میان دو صندلی، یقیناً به سقوط مان خواهد انجامید ، اگر کیکل شمشیر مبارزه با حقوق بشر را از رو بسته و ما بحق، خواهان عزل و اخراجش هستیم ، با همین معیار هم باید با آنانی که سالیان سال بخاری خانه شان را با اوراق دفتر اعلامیه جهانی حقوق بشر، گرم نگاه میدارند، مقابله کنیم. این یک بام و دو هوا را چگونه از نظر - لااقل اخلاقی -، با خود حمل میکنید؟

پرسیدند : مجنون ، دل در گرو چه چیزی از لیلی بست ، او نه جمالی و نه کمالی دارد؟ گفتند ، لیلی را باید از چشمان مجنون نگری، تا هم جمالش و هم کمالش ببینی . کاشف بعمل آمد که مجنون کور مادر زاد بود !!!!!!

غضنفر در رویارونیش با شیطان ، مجاب گشت که " او " نباید به " او " سنگ پراند و سنگ نپراند.

عظیم امیری

amiri@ aon. at